

حُنتُ العاصمۃ

در تاریخ ولادت و حالات حضرت فاطمہ سلام اللہ علیہا

علامہ سید محمد حسن طباطبائی صمدی اصفہانی (ره)

تصحیح و تحقیق
حامد فدوی اردستانی

میرجهانی طباطبائی، محمد حسن، ۱۲۸۰ - ۱۳۷۱.

جنة العاصمة در تاریخ ولادت و احوالات حضرت فاطمه علیها السلام / مؤلف

سید محمد حسن طباطبائی میرجهانی اصفهانی؛ تصحیح و تحقیق: حامد فدوی اردستانی. -

قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۹.

ص. ۸۴۸.

ISBN: 978 - 964 - 240 - 074 - 4. ۴۸۰۰۰۰ ریال:

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۸۰۳] - ۸۲۶؛ همچنین بصورت زیر نویس

۱. فالنامه زهر (اس)، ۴۱۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - سرگذشتنامه الف، فدوی اردستانی،

نامد محقق. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۷۳

BP. ۲۷/۲ / ط ۲ / م ۱



انتشارات نسیم کوثر

دفتر مرکزی: قم - خیابان دورشهر (شهید فاضلی) - کوچه ۳۵ - فرعی ۱۴ - پلاک ۴۸ / تلفن: ۸ - ۷۳۰۵۶۷
دفتر چاپ و نمایشگاه: خ صفایه - ک ممتاز - پلاک ۱ / تلفن: ۳۷۳۴۳۷۷ - همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۴۹۰۷

شفا سنامه کتاب

نام کتاب: جنة العاصمة در تاریخ ولادت و احوالات - مؤلف: فاطمه علیها السلام

مؤلف: آية الله سيد محمد حسن طباطبائی میرجهانی اصفهانی رحمته الله علیه

تحقیق: حامد فدوی اردستانی

ناشر: انتشارات نسیم کوثر

چاپ: چاپخانه صدر

نوبت چاپ: هفتم - زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۰-۰۷۴-۴

مرکز پخش:

۰۹۱۹۲۹۰۶۷۳۰ (عمومی) - ۰۹۱۹۲۹۴۲۹۴۱ (سلطانی)

مقدمه تحقیق

عرفی الگو

هر مکتب و مرامی وقتی پا به عرصه وجود می‌گذارد، تلاش در جلب افکار عمومی دارد و از روش‌های مختلف جهت پیاده کردن ایده و هدف خود کمک می‌گیرد. مکتب‌های انبیاء در روش همه آنها قرآن و اسلام، چون معارف و عقایدی منطبق بر فطرت پاک انسان‌ها را ارائه آورده‌اند، همواره در انسان‌های سالم کاملاً قابل پیاده شدن می‌باشند. به همین سبب برای جلب افکار و تسخیر قلوب به روش معرفی الگو توجه نموده و همواره چهره‌های درخشانی را به عنوان اسوه معرفی می‌نمایند. همان‌طور که برای پرهیز از بيمودن راه باطل، سیره و فرجام جرثومه‌های فساد را ترسیم نموده است.

قرآن کریم بخش عظیمی از آیات مبارک خود را به مردان و زنان موحد و ثابت قدمی اختصاص داده که در شرایط گوناگون، حق محوری خود را حفظ کرده و از صراط مستقیم منحرف نشده‌اند.

قرآن از مردان الهی مانند انبیا برترین ستایش را نموده است، و از زنان پاکدامن و عقیقی چون مریم - سلام الله علیها - و همسر فرعون و مادر و خواهر

موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و دختران شعیب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که الگوی زنان جامعه در شرایط مختلف هستند، در قرآن کریم تجلیل و ستایش شده است. و در معرفی اعمال نیک و پسندیده انسان شایسته را معرفی کرده می فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ﴾ (۱)

نیکی آن نیست که گرایش به شرق و غرب داشته باشید، نیکی آن است که متوجه خدای سبحان شوید و به وی ایمان آورید.

چرا معرفی الگو

یافشاری قرآن کریم در ترسیم و شناسایی سیمای انسان‌های کامل به یقین برای بیان تاریخ و داستان سرایی است زیرا قرآن کریم کتاب تاریخ و قصه نیست. قرآن کتاب هدایت و نور روشن گری است. غرض قرآن از بیان سیمای انسان‌های ملکوتی برای الگوپذیری دیگران است. تا با پیش گرفتن اندیشه و روش آنان راه تکامل را پیموده، به مقصد برسند.

اگر قرآن کریم سیمای انسان کامل را ترسیم کرده می فرماید: ﴿إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (۲). انگیزه و فلسفه این ترسیم را نیز بیان نمود: ﴿كَذَٰلِكَ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (۳). معرفی الگو برای پیروی از سیره و روش انسان کامل و نمونه است تا با اسوه قرار دادن وی از صراط مستقیم حق، ناکب و منحرف نشوند. قرآن کریم ثقل اکبر، عترت، ثقل اصغر، سیمای عترت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که

(۱) سوره بقره، آیه ۱۷۷.

(۲) سوره قلم، آیه ۴.

(۳) سوره احزاب، آیه ۲۱.

زهره علیها السلام از زمره آنان است را نمایان ساخته، و این دو را مستمسکی می‌نامد که انسان را به قلّه کمال می‌رساند و به سوی مقصد نهایی راهبری می‌کند. پس بر ماست که با تمسک جستن به عروة الوثقی، خویشتن را از بیراهه جهل و ضلالت نجات دهیم و به بزرگ راه حق و حقیقت برسیم.

ایمان و عبادت فاطمه علیها السلام

عبادت چیست؟

عبادت، خضی و خشوع بنده در برابر معبود است. عبادت به خاک افتادن عاجزانه موجودی ذلیل و ناتوان، در مقابل معبودی قادر، عزیز، کامل و متعال است. راه تکامل موجود ناخوشایند است و مبدأ این خضوع، خشوع معرفت و ایمان انسان می‌باشد. هر مقدار ساخت و ایمان قلبی قوی‌تر و شفاف‌تر باشد، عبادت از محتوا و جوهرهٔ بهتری برخوردار خواهد بود. ضمن این که استمرار عبادت و کیفیت بالای آن ایمان را مستقر و یقین را قوت می‌بخشد، ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (۱).

عبادت سلوک است نه مقصد

بنابر این عبادت مقصد و هدف نیست. زیرا مقصد رسیدن به کمال و تقرب الی الله است و عبادت که منطبق با دین و شریعت است راهی به سوی این مقصد است.

بر همین اساس اگر قرآن مجید می‌فرماید:

(۱) سوره حجر، آیه ۹۹.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۱)

جن و انس را جز برای پرستش نیافریدیم.

به این معنا نیست که عبادت هدف باشد. عبادت سلوک و عابد، سالک و مقصد، رسیدن به معبود و حق است. به همین دلیل، دین صراط مستقیم است که انسان را به مقصد می‌رساند.

عبادت راه تکامل

تنها راه رسیدن به کمال، پیمودن این راه یعنی عبادت و بندگی خالصانه است. با پیمودن این راه، انسان ناقص و عاجز، مظهر صفات حق می‌شود. مظهر قدرت و عزت می‌شود. شرط برخورداری از نعمت‌های الهی توجه به ولی نعمت و مظهر و مبدأ کمالات است. هر چه به نعمت است از اوست، ﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نُّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (۲). هر نعمتی که به کسی می‌شود از فضل و رحمت بی‌پایان اوست. و هر کس عبادتی و تزکیه‌ای انجام می‌دهد از فضل و احسان اوست، ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَايَا مِنْكُمْ أَحَدٌ أَبَدًا﴾ (۳). اگر فضل و عنایت الهی نبود، کسی توان خودسازی و تزکیه را نداشت.

با توجه همیشگی به مبدأ کمالات یعنی خداوند سبحان، منصب خلیفه الهی نصیب انسان می‌گردد، و پیمودن راه مستقیم است که انسان را به مبدأ فضایل می‌رساند. دیگر مسیرها انحراف از حقیقت و دوری از مقصد است؛ زیرا هر کمالی

(۱) سوره ذاریات، آیه ۵۶.

(۲) سوره نحل، آیه ۵۳.

(۳) سوره نور، آیه ۲۱.

را باید از مبدأ و منشأ آن جستجو کرد، ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾^(۱)، ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^(۲). قدرت و توانمندی از خداست. ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾^(۳). یاری رساندن تنها از نزد خدای عزیز و حکیم است. موحد بودن و تسلیم محض او شدن که مبدأ قدرت و عزّت و کمال است، راه تکامل انسان را همواره می سازد.

چون راه رسیدن به کمال، معرفت و عبادت است، هر مقدار معرفت بیشتر باشد، خضوع و خشوع افزون تر خواهد شد. زیرا با شناخت بیشتر حق، عجز و ناتوانی انسان آشکارتر می شود و همواره خود را راغب و بدهکار او می داند و اعتراف می کند به:

ما سرناك حق و معرفتك. (۴)

ما تو را از گونه که نایسته توست، پرستش نمودیم.

به همین سبب است که اولاد خدا و انبیاء الهی ناله و فریادشان بلندتر و آه و سوزشان جان سوزتر است. آنان همواره در تهجد و تعبد و اتابه به سر می بردند. به همین جهت به کامل ترین انسان ها، برای رساندن به مقام محمود، دستور تهجد شبانه آمده، ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^(۵). برخی از شب را به شب زنده داری بپرداز، افزون بر عبادات واجب تا شاید خدا مقام پسندیده ای را نصیب تو نماید.

(۱) سوره فاطر، آیه ۱۰.

(۲) سوره بقره، آیه ۱۶۵.

(۳) سوره آل عمران، آیه ۱۲۶.

(۴) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

(۵) سوره اسراء، آیه ۷۹.

فلسفه تهجد شبانه و رسیدن به مقام محمود که مقام توجه محض به خدا و بریدن از ما سوی الله است را چنین عنوان کرد که:

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾ (۱)

عبادت شب پایدارتر و با نفوذتر است.

تهجد شبانه است که به نفس صفا می‌دهد و روح را آماده دریافت فیوضات

الهی می‌کند.

برین گرفتن فیضی چون قرآن کریم قیام در لیل لازم است، ﴿قُمِ اللَّيْلَ...﴾ (۲) ﴿إِنَّا سَمِعْنَا نَدَاءً مِن رَّبِّنَا وَسَأَلْنَا رَبَّنَا أَتَجِدُ الْإِنْسَانَ إِذَا عَلَّمَهُ سَبْحًا وَلَقَدْ عَلَّمَهُ الْبُرْهُدَانَ﴾ (۳). ما گفتار سنگین و گران سنگی را بر تو ارزانی خواهیم نمود و شب قیام در شب تحقق یافت و روح آماده دریافت شد، آن گاه فیض الهی شبانه نازل می‌شود، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾ (۴) ما قرآن را در شب مبارک نازل کردیم. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (۵). ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. کوتاه سخن این که آن چه در شب اولیای الهی شده از برکت ناله‌ها و آه جانسوز اشک‌های نیمه شب آنان بوده است.

محراب فاطمه علیها السلام

از محراب عبادت که الاتی نصیب زهرا علیها السلام شد که باید به جهت توجه همگان قرار گیرد تا عبادت و شب زنده‌داری او الگو و اسوه رهروانش باشد.

(۱) سوره مزمل، آیه ۶.

(۲) سوره مزمل، آیه ۲.

(۳) سوره مزمل، آیه ۵.

(۴) سوره دخان، آیه ۱.

(۵) سوره قدر، آیه ۱.

روایات متعددی در مورد ایمان و عبادت فاطمه علیها السلام وارد شده است. در برخی از آنها آمده است که فاطمه علیها السلام عابدترین مردم بود. ^(۱) و چه بسا شب‌هایی را تا صبح تهجد و شب زنده‌داری می‌نمود. چنان‌که از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده: مادرم را دیدم تا به صبح مشغول نماز بود و در حق دیگران دعا می‌کرد، وقتی از او پرسیدم: چرا برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمودند: اول همسایه، آن‌گاه خویشان، الجار ثم الدار. ^(۲) فاطمه زهرا علیها السلام آن اندازه در محراب به قیام و تهجد می‌پرداخت که پاهای مبارکش ورم می‌کرد. ^(۳)

حقیقت عبادت فاطمه علیها السلام

کیفیت عبادت رسرا علیها السلام عبادت خشک و بی‌روح نبود. بلکه زهرا چون عالمه و محدثه بودند، عبادت او علیها السلام با خشوع و خشیت و خلوص بود، که این گونه عبادت سازنده و باعث تکامل روح است.

قرآن کریم از عبادت همراه با خشوع ستایش می‌کند، ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ ^(۴). آن انسان ایمنی مؤمن که در نماز خود خشوع دارند رستگارند. عبادت همراه با خشوع که با حضور قلب در پیشگاه خداست ستایش دارد، نه عبادت با خضوع که با اعضا و جوارح انجام می‌گردد و از هر فردی ساخته است.

بر این اساس آن چه اهمیت دارد کیفیت و روح عبادت است و زهرا علیها السلام

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

(۲) علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲؛ روضة الواعظین، ص ۳۲۹.

(۳) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

(۴) سوره مؤمنون، آیه ۱ و ۲.

وقتی در محراب قرار می‌گرفت دگرگون می‌شد و خشیت الهی سراسر وجودش را فرا می‌گرفت و ستون‌های بدنش به لرزه در می‌آمد و اشک‌های سوزانش جاری می‌شد، با تمام وجود در محضر خدا قرار می‌گرفت.

متى قامت في محرابها بين يدي ربها - جل جلاله - زهر نورها
لملائكة السماء كما يزهو نور الكواكب لأهل الأرض، ويقول الله
- عز وجل - لملائكته يا ملائكتي انظروا إلى أمتي فاطمة سيدة
النبي قائمة بين يدي، ترتعد فرائصها من خيفتي وقد أقبلت بقلبها
علي بابت (۱)

آری این گونه بابت زهرا توأم با حضور قلب بود.

اخلاص و ایثار فاطمه علیها السلام

فرزندان زهرا (حسن و حسین - علیهم السلام) بیمار شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه فاطمه علیها السلام حضور داشتند، فرمودند: اگر برای شفای عزیزان نذری انجام دهید مناسب است.

علی و فاطمه علیها السلام نذر کردند وقتی عزیزانشان بهبودی یافتند، سه روز روزه بگیرند. خداوند منان عاقبت را نصیب فرزندان فاطمه علیها السلام کرد. طبع نذر باید سه روز روزه می‌گرفتند؛ حسنین و فضا خادمه هم در این امر مشارک شدند. روز اول به پایان رسید، وقت افطار فاطمه علیها السلام پنج قرص نان برای افطار تهیه کردند. هنگام افطار مسکینی در خانه را کوید و کمک طلبید. علی علیها السلام قرص نان خود را تقدیم مسکین کرد. فاطمه علیها السلام هم از علی پیروی کرد و حسنین و فضا هم متابعت نموده هر پنج قرص نان را به مسکین دادند.

فردای آن روز را طبق نذر روزه گرفتند. باز برای افطار پنج قرص نان تهیه کردند، که این بار در هنگام افطار یتیمی در خانه را کوبید و استمداد کرد. جریان شب قبل تکرار شد هر پنج قرص نان را تقدیم یتیم کردند و با آب خالص افطار نمودند و روز سوم را هم روزه گرفتند! در هنگام افطار روز سوم اسیری در خانه آمد و کمک طلبید، باز هر پنج قرص نان تقدیم اسیر شد، خاندان نبوت با شکمی گرسنه و چهره‌ای زحور به سر بردند!

تجلی ایثار خاصه

خداوند سبحان از احسان و ایثار خاندان وحی ستایش نمود و آیاتی از قرآن کریم را در شأن و منزلت آنان نازل کرد و آنان را الگو و پیشوای دیگران برگزید؛ تا با تمسک به آنان که عروة الوثقی هستند اقرار چاه‌های ظلمت رهایی یابند، ﴿يُوقُونَ بِالَّذِي وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (۱)

آنان به پیمان خود وفا می‌کنند و از روزی که عذاب آن فراگیر است (قیامت) بیم دارند، و اطعام و ایثار می‌نمایند به مسکین و یتیم و اسیر در حالی که خود سخت به آن طعام نیازمند هستند. که ارزش عمل آنان در آخرت است، ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ (۲)

بدون هیچ چشم داشتی تنها برای رضای دوست دست دیگران را می‌گیرند و به خاطر رضای او دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ

(۱) سوره دهر، آیه ۷ و ۸.

(۲) سوره دهر، آیه ۹.

كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ ﴿١﴾

این ها نمونه ایثار و اخلاص و عبادت زهراست. همان زهرا که سراسر وجودش عشق و ایمان به خدا بود که رسول خدا ﷺ در حق او فرمود: سراسر وجود فاطمه ایمان، قلب او مملو از یقین است. **إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَيَقِينًا** (۲).

از مقام ایمان و خشیت فاطمه مرتبه معرفت او نیز روشن می شود. زیرا ایمان استوار و خشیت از مقام احدیت جز با معرفت عمیق و شفاف از مقام ربوبی میسر نخواهد بود، **« إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ »** (۳).

تذکره نه‌ای در این جا لازم به نظر می رسد که به فرمایش برخی از اساتید معظم، مرتبه‌ای از مقام استوار اهل بیت از درجه متوسط برخوردار است که دیگران نیز مانند فضه خاتمه به آن دسترسی دارند. لیکن رسیدن دیگران به مرتبه نازله همین مقام متوسط هم به برکت اهل بیت می باشد. در عین حال برای اهل بیت عصمت و فاطمه ﷺ درجاتی است که از ویژگی های آنان است و افراد عادی هرگز به آن درجات نخواهند رسید.

تمثل ملائکه بر فاطمه ﷺ

تزکیه نفس که با مبارزه با هوای نفس، دور کردن و سرکشی های شیطانی و پیمودن راه مستقیم حق حاصل می شود؛ موجب تعالی روح و توجه به عالم ملکوت و قرب الهی می گردد. انسان با ایمان و عمل صالح و استواری در راه خدا آن

(۱) سوره حشر، آیه ۹.

(۲) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۹.

(۳) سوره فاطر، آیه ۲۸.

مقدار می تواند پیش برود که با عالم ملکوت یعنی باطن عالم شهادت مرتبط شود. مطیع و عبد خالص خدا بودن، انسان را مظهر صفات الهی نموده و به مقام ولایت می رساند. آن گاه ملائکه بر او نازل و یا به تعبیر دقیق تر بر او متمثل می شوند. متمثل ملائکه از ویژگی های مقام ولایت است و اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد، زیرا راه ولایت بر همگان باز است.

پیامبران الهی هم چون از مقام ولایت بهره مند بودند ملائکه بر آنها نازل می شدند و هر کس در این درجه از قرب و معنویت برسد، می تواند با عالم غیب ارتباط پیدا کند، و لایق دریافت معارف الهی گردد، ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ (۱). آنان که گفتند پروردگار ما الله است و پایداری نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند.

بر همین اساس قرآن کریم متمثل ملائکه را بر غیر انبیا هم نسبت می دهد، در مورد حضرت مریم علیها السلام می فرماید:

﴿فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (۲)

فرشته بر مریم متمثل شد و با او سخن گفت. البته نزول ملائکه تشریحی برای رساندن پیام شریعت، از اختصاصات انبیاست که با رسالت آخرین سفیر الهی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خاتمه یافته است.

فاطمه علیها السلام از جمله انسان های کامل است که با داشتن مقام ولایت همواره با عالم غیب در ارتباط بود. ملائکه بر او نازل می شدند و با وی سخن می گفتند، و به همین خاطر فاطمه را «محدثه» نامیدند.

سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: إنما سميت فاطمة محدثة لان

(۱) سوره فصلت، آیه ۳۰.

(۲) سوره مریم، آیه ۱۷.

الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما تنادي مريم بنت
عمران (۱).

از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: فاطمه را محدثه نامیدند، زیرا
فرشتگان از آسمان بر وی فرود می آمدند و با وی گفتگو می نمودند
همان گونه که با مريم گفتگو می کردند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که: فاطمه سرآمد زنان عالم است وقتی در
محراب عبادت فرار می گرفت هفتاد هزار ملک از ملائکه مقرب بر او سلام می کردند
و با او سخن می گفتند به آن چه که با مريم سخن می گفتند، که خداوند فاطمه را
برگزید و پاک دانست و همه زنان عالم برتری بخشید.

فاطمة بيضة نساء العالمين من الاولين والآخرين، وأنها لتقوم
في محرابها نيسلم عليها سبعون ألف ملك من المقربين وينادونها بما
نادت به الملائكة مريم بقرون: يا فاطمة إن الله أضطفاك
وطهرتك وأضطفاك على نساء أمة المين (۲) (۳)

فاطمه علیها السلام در ارتباط با عالم ملکوت و مراتب آن، از روزی های غیبی بهره مند بود،
تجلی عبادت فاطمه علیها السلام تقرب الهی و طبق های روزی های غیبی بود.

.... فأقبل فوجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جالساً و فاطمة تصلي وبينها
شيء مغطى فلما فرغت إجتزت ذلك الشيء فداها بفتة من خبز ولحم
قال: يا فاطمة أتني لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۸.

(۲) سوره آل عمران، آیه ۳۷.

(۳) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۹.

یشاء بغیر حساب (۱)

.. علی علیه السلام وارد خانه شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته و فاطمه علیها السلام مشغول خواندن نماز بود، در کنارش طبقی سرپوشیده قرار داشت، وقتی فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شده پرده از روی طبق برداشت. روزی های غیبی در داخل طبق بود. علی علیه السلام پرسید: این ها از کجا آمده؟ فاطمه علیها السلام جواب داد: از نزد خدا، خدا هر کس را بخواهد روزی بی حساب می دهد.

آری، این ها تحلیلات محراب فاطمه علیها السلام می باشد. همان محرابی که به فاطمه مقام و منزلت به شید این ها نمونه ای از روایات بسیاری بود که بدان ها اشاره شد.

فاطمه علیها السلام اثر رسول خدا صلی الله علیه و آله

کوثر چیست؟

کوثر به معنای خیر و بهره مند بودن از معاف و برکات الهی، در مقابل تکاثر است. تکاثر به معنای افزون طلبی و حب دنیا است که انسان را از یاد خدا و روز قیامت باز می دارد، ﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ (۲)

خداوند سبحان خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می رساند ما به تو کوثر عطا کردیم ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾ (۳)

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۱.

(۲) سوره تکاثر، آیه ۱.

(۳) سوره کوثر، آیه ۱.

کوثر رسول خدا ﷺ

کوثر رسول خدا ﷺ همان معارف و حکم و احکام الهی است، که به عنوان کامل‌ترین و آخرین دین بر حضرت نازل شد. قرآن کریم به لحاظ این که بر تمام کتاب‌های آسمانی مهیمن است، و هم به جهت این که همیشگی و جاودانه است و تاقیامت مردم از آن بهره‌مند خواهند بود، کوثر است.

در مقابل دشمن تو، باطل‌گرا، بی‌ریشه، بی‌قرار و ناپایدار است. زیرا این ویژگی باطل است، ﴿فَأَمَّا الزُّبْدُ فَسَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾^(۱)، کف (باطل) زود زدوده می‌شود. ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾^(۲). کلمه خبیثه (باطل) همانند درخت خبیث که بر روی زمین نهاده شده و برقرار نیست، می‌ماند. دربار دشمن صاحب کوثر که باطل است می‌فرماید: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾^(۳). دشمن تو بریده و ابرو شونده است.

فاطمه علیها السلام مصداق کوثر

مصداق دیگر کوثر رسول خدا ﷺ فاطمه زهرا علیها السلام است. از این جهت که تداوم نسل و ذریه با برکت حضرت از طریق ایشان است. در ذریه فاطمه علیها السلام یازده امام معصوم علیهم السلام پدید آمده که آثار و برکات آنان شرق و غرب عالم را فرا گرفته است، که اینان عماد دین هستند و تداوم و بقای دین اسلام به برکت وجود آنان است. اینان سرچشمه جوشان امامت هستند که با فضایل الهی خود، تشنه کامان

(۱) سوره رعد، آیه ۱۷.

(۲) سوره ابراهیم، آیه ۲۶.

(۳) سوره کوثر، آیه ۳.

امامت و شریعت را همواره سیراب می‌کنند.

هر جا فضیلتی است از برکت اهل بیت و وحی الهی است، شرقاً و غرباً
 فلا تجدان علماً صحیحاً الاً شيئاً خرج من عندنا أهل البيت^(۱). امام صادق علیه السلام
 می‌فرماید: هر جا سخن از فضیلت است از نزد ما اهل بیت منتشر شده است، فكل
 علم خرج إلى أهل السموات والأرض فمنّا وعنا^(۲).

وقتی فاطمه علیها السلام شجره طیبه است که چنین شاخسارانی پر ثمر دارد،
 ﴿تُؤْتِي دَلَّةً أَكَلٌ حِينٍ﴾^(۳) چگونه کوثر نباشد! بدین خاطر فاطمه علیها السلام مصداق
 بارز و روش کوثر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. اهل بیت فاطمه علیها السلام و فرزندان علیهم السلام
 کوثری هستند که شجره طیبه دین همواره از این سرچشمه سرسبز می‌باشد و
 شیفتگان فاطمه علیها السلام شنیدگان کلامی هستند که همواره از این سرچشمه سیراب
 می‌شوند.

شفاعت فاطمه علیها السلام

شفاعت مرتبه‌ایست که انسان‌های بدسما و ولایت رسیده و مقرب درگاه
 خداوندی از آن برخوردارند. شفیع، که آبرومند پیشگاه خداست، با درخواست
 عفو و مغفرت، موجب نجات انسان گنه‌کاری که زمین شفاعت افرام نموده
 می‌شود، و یا سبب علو درجه او می‌گردد. که اگر شفاعت نبود خداوند سبحان با
 عدل خود با تبهکار رفتار می‌کرد، ولی با شفاعت شفیع، خدای سبحان با فضل و
 رحمت خود، از عذاب و مجازات او صرف نظر می‌کند.

(۱) کافی، ج ۱، ص ۳۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۷.

(۲) بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۴.

(۳) سوره ابراهیم، آیه ۲۵.

این اساس سخن در مورد شفاعت است، که هیچ گونه شبهه و اشکالی هم متوجه آن نیست، زیرا هیچ ناسازگاری با توحید و علم الهی ندارد. مقام شفاعت برای انبیاء و اولیاء الهی یعنی ائمه علیهم السلام و نیز شهدای اسلام و علما و فرشتگان و... محرز و ثابت است.

فاطمه علیها السلام از زمره اهل بیت و از اولیاء الهی و حتی برتر از انبیاء می باشد. به همین دلیل اثبات مقام شفاعت برای فاطمه علیها السلام نیاز به دلیل جداگانه ندارد، در عین حال به برخی روایات در مورد شفاعت آن حضرت اشاره می شود.

عن رسول الله صلی الله علیه و آله فَأَيُّمَا امْرَأَةٍ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ، وصامت شهر رمضان وحجّت بيت الله الحرام، وزكّت مالها، أطاعت زوجها، ووالت عليّاً بعدي دخلت الجنة بشفاعتي ابنتي فاطمة وأنت لسيدة نساء العالمين (۱).

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: هر زنی که پنج وقت نماز خود را بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد و حج واجب بیت الله را انجام دهد و زکات مالش را بپردازد و از هر چیزی اطاعت کند، و علی علیه السلام را بعد از من امام و رهبر خویش بداند (عزیز رمینة شفاعت را فراهم نماید) به شفاعت دخترم فاطمه، وارد بهشت خواهد شد. و فاطمه سیده و سرور زنان عالم است.

وعن الباقر عليه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا كان يوم القيامة فإذا النداء من قبل الله عز وجل: يا حبيبتي وابنة حبيبي سليني تعطي، واشفعي تشفعي (۲).

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

(۲) بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۹.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: وقتی روز قیامت شود، ندا از جانب خدا می‌رسد که: ای فاطمه هر چه درخواست کنی و از هر کسی شفاعت نمایی پذیرفته است.

عصمت فاطمه علیها السلام

انسان همواره در زندگی بر سر دوراهی قرار دارد، می‌تواند با اجابت دعوت فطرت و سکونت و سرورش غیب راه خدا را انتخاب نماید و می‌تواند از وسوسه‌ها و هوای نفس پیروی کرده آلوده به گناه و پیرو شیطان گردد، یعنی به بیراهه ضلالت و گمراهی سقوط نماید. از جهه سرنوشت ساز و مهم است اراده و انتخاب انسان است، که یکی از این دو راه را انتخاب می‌کند. نوعاً انسان‌های مؤمن راه خیر و سعادت را انتخاب می‌کنند، و اعمالاً ارتکب خطا و معصیت هم می‌شوند. در بین انسان‌ها، اندک افرادی هستند که بتوانند در طول عمر خود، از هرگونه آلودگی و گناه پاک و منزّه بوده به مقام عصمت بر یابند. عصمت یعنی پاکی و دوری از هر گونه آلودگی در تمام مدت عمر خود.

انبیاء الهی و ائمه علیهم السلام از جمله افرادی هستند که به غایت این مقام رسیده‌اند، لیکن عصمت فقط مخصوص مقام نبوت نیست، بلکه راه آن بر همه مگانه و در هر زمان باز است. بنابراین در بین انسان‌ها افرادی هم به این مقام رسیده‌اند که پیامبر و نه امام بودند.

قرآن، مریم علیها السلام را از زمره چنین افرادی می‌داند که با رسیدن به مقام عصمت، فرشته بر او متمثل شد ﴿فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (۱). قرآن، مریم را مطهر

از هرگونه آلودگی معرفی می کند ﴿وَمَرْيَمَ أَنْبَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾ (۱).
و او را مطهره و برگزیده خدا می داند ﴿إِنَّ اللَّهَ أَضْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَضْطَفَاكِ عَلَيَّ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (۲). مریم خدا تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان عالم برگزید.

قرآن سند عصمت فاطمه علیها السلام

قرآن مجید در بین زنان، فاطمه علیها السلام را معصوم می داند؛ فاطمه علیها السلام شخصی
است که در طول عمرش هیچ گونه گناه و آلودگی نداشت، و الگو و اسوه انسان‌ها
بخصوص زنان در همه اعصار می باشد. خداوند سبحان با آیه مبارکه تطهیر در مقام
و منزلت اهل بیت پسند قطعی از فضیلت و عظمت و عصمت اهل بیت به دست
بشر داده است، ﴿إِنَّهُ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا﴾ (۳). خداوند اراده نموده که هرگونه آلودگی را از ساحت قدس و دامن اهل
بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفع کند.

آیه شریفه، دامن اهل بیت را از هرگونه گناه منزّه می داند، که با عنایت الهی و
اراده مستحکم، هیچ گونه آلودگی پیدا نکردند. مبارکه است، این آیه که در مقام اختصاصی اهل بیت
را بیان می کند؛ یعنی گرچه رسیدن به مقام عصمت برای مگان میسر است، اما
آنان که به طور قطع به این مقام رسیده اند و از مرتبه بالای عصمت بهره مند شدند و
عصمت آنان را خدای سبحان و آگاه و علیم امضا نموده است، اهل بیت می باشند.
در این فضیلت هیچ کس از اهل خانه و صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرکت
ندارند؛ زیرا روایت از طریق شیعه و سنی مستفیض است که این مقام از آن افراد

(۱) سوره تحریم، آیه ۱۲.

(۲) سوره آل عمران، آیه ۴۲.

(۳) سوره احزاب، آیه ۳۳.

مخصوص است و حتی آنان که از نظر عرف و لغت اهل بیت به حساب می آیند در این مقام همراه نیستند.

افرادی که مشمول آیه هستند مشخص شده اند که علی و فاطمه و فرزندان آنان علیهم السلام می باشند، حتی همسران پاکدامن پیامبر صلی الله علیه و آله که از نظر عرف و لغت اهل بیت هستند به اتفاق روایات فریقین در مضمون آیه شریک نیستند. به چند روایت اشاره می شود:

روایات فریقین: عصمت فاطمه علیها السلام

عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّيسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾، قال: نزلت هذه الآية في رسول الله وعمر بن الخطاب وفاطمة وحسن وحسين عليهم السلام، وذلك في بيت أم سلمة زوج النبي فدعا رسول الله صلی الله علیه و آله علياً وفاطمة والحسن والحسين - صلوات الله عليهم - ثم ألبسهم كساء له خبيرياً ودخل معهم فيه، ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي وعدتني فيهم ما وعدتني، اللهم اذهب عنهم الرِّيسَ وطهرهم تطهيراً، فقالت أم سلمة: وأنا معهم يا رسول الله؟ قال: أبشروا بلأمر سلمة فإنك إلى خير (۱).

امام باقر علیه السلام می فرماید: آیه تطهیر درباره رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین - صلوات الله عليهم - درخانه ام سلمه نازل شده است. وقتی این آیه نازل شد حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین - سلام الله عليهم - را زیر کسای خیبری جمع کرد و فرمود:

خدایا این‌ها اهل بیت من هستند که در مورد آنان وعده‌ها داده‌ای،
 خدایا رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و منزّه گردان.
 آن‌گاه اُمّ سلمه عرض کرد: یا رسول الله، من هم با این‌ها هستم؟
 حضرت فرمود: بر تو بشارت باد که به خیر و سعادت هستی.

ملاحظه می‌فرمایید که اُمّ سلمه که عرفاً جزء اهل بیت است از زمره آنان
 نیست. معلوم می‌شود که در این مقام ویژه، هرکس را شایستگی مشارکت نیست.
 در بعضی روایات آمده است که: وقتی اُمّ سلمه خواست در جمع آنان وارد
 شد حضرت فرمود:

أَنْتِ عَلَى خَيْرٍ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي وَفِي أَخِي وَابْنَتِي وَتِسْعَةَ مَنْ وَوَلَدِ
 ابْنِي الْحَسَنِ خَاصَّةً، لَيْسَ مَعْنَا فِيهِمْ أَحَدًا غَيْرَنَا (۱).

این روایت تصریح دارد که نور از اهل بیت پیامبر ﷺ در این آیه مبارکه
 افراد خاصی هستند و دیگران در این جمع شریک نیستند و آنان عبارتند از: علی و
 فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین نه امام دیگر - سلام الله علیهم - .
 چند روایت از طریق اهل سنت:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهَا - زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ
 كَانَ يَبِيتُهَا عَلَى مَنْامَةٍ لَهُ عَلَيْهِ كِسَاءٌ خَيْبَرِيٌّ فَحَزَنَتْهَا فَطَمَتُهَا فِيهَا
 خَزِيرَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَدْعَى زَوْجَكَ وَابْنِكَ حَسَنًا وَحَسِينًا
 فَدَعْتَهُمْ... اذْ نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
 عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾، ثُمَّ أَخْرَجَ يَدَهُ مِنَ
 الْكِسَاءِ وَأَوْمَأَ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي
 فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَتْ أُمُّ

سلمة - رضي الله عنه - فقلت يا رسول الله وأنا معكم، فقال إنك علي خير مرتين (۱).

مضمون روایت همان روایت اولی است که بیان شد.

وعن أبي سعيد خدری قال رسول الله ﷺ: نزلت هذه الآية في وفي علي وفاطمة وحسن وحسين ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ﴾ ... (۲).

سرطمی روایات متعددی نقل می‌کند که در دو جهت اتفاق دارند، یکی این که آیه شریفه اختصاص به پنج تن دارد، دیگر این که حتی همسران پیامبر ﷺ که اهل خانه رسول خدا ﷺ هستند، مشمول آیه نمی‌باشند. به اتفاق روایات وقتی ام سلمه خواست در جمع آنان حاضر شود، حضرت اجازه ندادند.

هم چنین ایشان نقل می‌کردند منظور از تطهیر و اذهاب رجس، پاک بودن از گناه می‌باشد که دلالت بر مقام سمت اهل بیت دارد، که حضرت فرمودند:

أنا وأهل بيتي مطهرون من الذنوب (۳).

من و اهل بیت من از گناه پاک هستیم.

نکته جالب توجه این است که رسول خدا ﷺ آن قدر به این موضوع اهمیت می‌دادند که بعد از نزول آیه در شأن اهل بیت، شش یا هفت ماه به طور مرتب در هر هنگام نماز در خانه فاطمه ﷺ می‌آمدند و این آیه را تلاوت می‌کردند و بر می‌گشتند:

الطبراني عن أبي الحمراء رأيت رسول الله ﷺ في باب علي

(۱) الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

(۲) الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹.

(۳) الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

ستة أشهر فيقول: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (۱).

همین حدیث را ابن عباس روایت می‌کند که ما شاهد بودیم که رسول خدا ﷺ نه ماه هر روز پنج نوبت در هنگام نمازهای واجب بر در خانه علی ﷺ می‌آمد، و در کنار در می‌فرمود:

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته أهل البيت، انما يريد الله ليذهب... (۲)

مقام مخصوص اهل بیت ﷺ

این مقام مخصوص اهل بیت است، که قرآن کریم سند قطعی آن می‌باشد. اهل بیت به آن درجه از عصمت رسیدند که هرگز برای دیگران میسر نیست. به همین جهت دستور اطاعت اهل بیت در هر شرایط آمده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (۳). اطاعت مطلق از کسی در صورتی درست است که هیچ گونه گناه و خطا در سراسر زندگی او راه نداشته باشد. البته ادله دیگری نیز بر عصمت فاطمه زهرا ﷺ دلالت دارد، مانند حدیث شریف:

فاطمة أحصنت فرجها فحرم ذريتها على النار.

فاطمه ﷺ چون دامنش از هر گناه پاک است خدای سبحان ذریه

(۱) الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹.

(۲) الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹.

(۳) سوره نساء، آیه ۵۹.

(۴) عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۰.

وی را بر آتش حرام کرده است.

محبت ذو القربی و فاطمه علیها السلام

محبت به حق

محبت جذبه و کشش درونی است که محب را به سوی محبوب می کشاند، محبوب با زیبایی هایی که در او جلوه گر است محب را می رباید. محبت به حق در نهاد تمام مخلوقات نظام هستی نهاده شده است. همه محب و عاشق زیبایی های اویند و همه به سوی او که محبوب و مقصود همه است در حرکتند: ﴿إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (۱). بنابراین آنچه به انسان توان و نیروی حرکت می بخشد، محبت است. جمال و زیبایی همان محبوب که در جای جای عالم هستی جلوه گر است همه را مجنون و مدهوش خویش نمود و همه بلاکش این قلاده شده اند.

چون محبوب (خدا) یک پارچه زیببست، عالم یک پارچه محبت است. اگر حرکت جوهری فراگیر ماده است، حرکت حیرت فراگیر نظام هستی است و اگر عالم یک پارچه حیات است که فوران دارد، عاشق بی فوران، عشق و محبت الهی است.

محبت حقیقتی است که قابل کتمان نمی باشد. آن همان در نهان شرر به پا می کند که راز درونی بیرون افتاده و آشکار می شود و محب را وادار به سرودن سرود عشق می کند، ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ (۲). هیچ موجودی نیست جز این که تسبیح و ستایش خدا را می نماید.

(۱) سوره شوری، آیه ۲۳.

(۲) سوره اسراء، آیه ۴۴.

پی آمد محبت

پی آمد محبت، چه حق باشد و چه باطل اطاعت از محبوب است، به همین خاطر ممکن نیست کسی محبوبی داشته باشد و از آن اطاعت نکند، که اگر اطاعت نکرد باید در تحقق محبت شک کرد.

قرآن کریم ملاک تحقق محبت به حق را اطاعت از حق می داند و می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾^(۱). اگر خدا محبوب شما است از من پیامبر اطاعت کنید که اطاعت من همان اطاعت از خداست، ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^(۲). هر کس از رسول خدا پیروی کند، از خدا پیروی کرده است.

بنابر این ممکن نیست کسی محب خدا باشد و از رسول خدا اطاعت نکند. که اگر اطاعت نکرد در تحقق ایمان آن شخص باید تردید نمود؛ زیرا ایمان جز محبت نیست. هل الايمان الا الحب^(۳)

اهمیت محبت تا آن جا است که وحی اصرار دارد به محبت انسان ها جهت بدهد تا در انتخاب محبوب و معشوق راه خضرت را که انبیاء بیک معشوق حق هستند، آمده اند به هوشیاران، هشدار بدهند که در انتخاب معشوق اشتباه نکنند. انبیاء آمده اند مردم را به سوی معشوق حقیقی و همیشگی رهنمون باشند. انبیاء انسان را از عشق های دروغین و ناپایدار به معشوق همیشگی و زیبایی پایدار رهنمونند.

(۱) سوره آل عمران، آیه ۳۱.

(۲) سوره نساء، آیه ۸۱.

(۳) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۰.

محبت به مظاهر حق

محبت به مظاهر حق از محبت به حق جدا نیست و امکان ندارد کسی محب خدا باشد ولی به مظاهر حق محبت نداشته باشد. زیرا وقتی شخصی مظهر صفات حق شد، و تمام شؤون زندگی او حق شد، و با بار یافتن به مقام عصمت به عنایت الهی رفتار و گفتار و سکوت و فریاد او حق شد، و باطل در زندگی او جایگاهی نداشت، محبت به او همان محبت به حق خواهد بود. اطاعت از او هم اطاعت از حق محسوب می شود.

به همین خاطر عزت رسول خدا ﷺ که به مقام عصمت بار یافته اند حق، و حق محور هستند باطل همان طور که در قرآن کریم راه ندارد، در زندگی عترت هم راه نخواهد داشت، ﴿لَا تَبْدِئُ الْبَاطِلَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^(۱). باطل از هیچ جهتی به قرآن راه ندارد.

قرآن و عترت یک حقیقت هستند که حق مدارند و از باطل به دور هستند. **علي مع الحق والحق مع علي** یدور حیثما دار^(۲) علی با حق و حق همراه علی در گردش است. که این حقیقت اختصاص به علی علیه السلام ندارد، درباره همه اهل بیت است، فاطمه نیز مع الحق والحق مع فاطمة یدور حیثما دارت. چون عترت حق محورند، صراط مستقیم و میزان سنجش اعمال بندگان هستند، **بن أبي الحسن الرضا علیه السلام والميزان أمير المؤمنين علیه السلام نصبه لخلقه، الا تطغوا في الميزان، قال: لاتعصوا الامام علیه السلام**^(۳). امام رضا علیه السلام می فرماید: میزان، علی است که برای مردم قرار

(۱) سوره فصلت، آیه ۴۲.

(۲) الغدير، ج ۳، ص ۱۷۶.

(۳) تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۸۸.

دارد. به میزان تعدی نکنید، از امام نافرمانی نکنید. امیر المؤمنین علیه السلام و دیگر عترت معیار حقند.

ملاک ایمان و نفاق

به همین جهت محبت به اهل بیت ملاک ایمان و بغض اهل بیت ملاک نفاق است، مؤمن در همه حالات و در هر شرایطی محبت اهل بیت است، و منافق در هیچ حالی محبت اهل بیت نیست و اهل بیت ملاک توکی و تبری می‌باشند که امیر المؤمنین علیه السلام فرماید:

أرضيت خيشوم المؤمن هذا على أن يبغضني ما أبغضني، ولو صبيت الكذب بجاتها على المنافق على أن يحبني ما أحبني، وذلك أنه قضي فاصص على لسان النبي الأُمي صلى الله عليه وآله أنه قال: يا علي لا يبغضك مؤمن، ولا يحبك منافق (۱).

اگر بینی مؤمن را با شمشیر بزنم که مرا دشمن بدارد، هرگز دشمن نمی‌داری و اگر دنیا را در اختیار من از تو بدهم که مرا دوست بدارد، هرگز مرا دوست نخواهد داشت، زیرا این حقیقت بر زبان رسول خدا صلى الله عليه وآله جاری شده که هیچ مؤمنی تو را دشمن و هیچ منافقی تو را دوست نمی‌دارد.

نمونه آن در زمان خود حضرت اتفاق افتاد، هنگامی که دست شخصی به نام أسود را به جرم سرقت قطع کرد، این کواء که شخص فرصت طلبی بود، اسود را با دست بریده دید. برای سوء استفاده از فرصت و بدبین نمودن اسود که از محبتان علی علیه السلام بود از او پرسید: چه کسی دست تو را برید؟ اسود در جواب او آن چنان از

(۱) الغدير، ج ۳، ص ۱۸۴؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۹۵.

علی علیه السلام ستایش کرد که ابن کواء مبهوت و شرمنده شد.

قطع یمینی سید الوصیین وقائد الغرالمحجلین وأولی الناس
بالمؤمنین علی بن ابی طالب، امام الهدی، وزوج فاطمة الزهرا ابنة
مصطفی (۱)

دست مرا سرور جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله برید، همان که رهبر
روسفیدان است و سزاوارترین فرد برای رهبری مؤمنان. علی بن ابی
طالب امام هدایت و همسر زهرا دختر مصطفی.

قرآن و مودت اهل بیت علیهم السلام

با توجه به اهمیت مکتب اهل بیت علیهم السلام که میزان و ملاک می باشد، سزاین
که قرآن بر این محور این مقدمه صراحت دارد، روشن می شود. چرا که قرآن مزد رسالت
رسول خدا صلی الله علیه و آله را مودت و دوستی را شایسته و پذیرش راه عترت قرار داده
است، می فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (۲). من برای
انجام رسالت، پاداشی جز محبت ذوالقربی را نمی خواهم. زیرا اهل بیت علیهم السلام محور
و مظهر حق هستند، دوستی و پذیرش آنان میزان ایمان را در ذهنی با آنان نشانه
بی راهگی از صراط مستقیم است.

اهل بیت پیامبر کیانند؟

فاطمه علیها السلام، از زمره اهل بیت است که دوستی او ملاک و مزد رسالت پذیر قرار
گرفته است.

(۱) بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۲۸۱.

(۲) سوره شوری، آیه ۲۳.

لما نزلت الآية قيل: يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ فقال: علي وفاطمة وابناهما^(۱).

روایت از طریق شیعه و سنی از رسول خدا ﷺ رسیده که وقتی این آیه نازل شد از حضرت سؤال کردند: اهل بیت تو که محبت آنان بر ما واجب شده چه کسانی هستند؟ جواب دادند: علی و فاطمه و دو فرزند (حسن و حسین) این دو.

مختبان فاطمه عليها السلام

وقتی محبت اهل بیت ملاک ایمان قرار گرفت، پذیرش روایاتی که می فرمایند محبت زهرا عليها السلام در آتش نمی سوزد، آسان خواهد شد. زیرا که زهرا حق محور و محبت به او محبت به حق، دلیل بر ایمان شخص می باشد. و آتش برای مؤمن که گل باغستان الهی می باشد، آفند شده است. آتش برای سوزاندن هیزم است و هیزم همان شجره خبیثه و علف های هرزه می باشند. که در باغستان هستی رویش نموده و مزاحم رشد و تعالی و به ثمر رسیدن گل های باغ است، ﴿أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾^(۲). افراد ستمگر هیزم محرم می باشند. آتش برای انسان های خبیث است که همانند هیزم انباشته شده و شعله ور می شوند، ﴿وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي سَكِّمٍ أَوْلِيكَ هُمْ الْخَاسِرُونَ﴾^(۳). هیزم ها را بر روی هم انباشته و بر جهنم وارد می سازد که اینان

(۱) الغدير، ج ۳، ص ۳۰۷؛ ذخائر العقبی، ص ۲۵؛ کشاف، ج ۲، ص ۳۳۹؛ المواهب اللدنیة،

ج ۲، ص ۲۰۹؛ کفایة الطالب، ص ۳۱.

(۲) سوره جن، آیه ۱۵.

(۳) سوره انفال، آیه ۳۷.

همان‌هایی هستند که خسران دیده‌اند.

قال رسول الله ﷺ: **أَمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَهَا وَمِنْ أَحَبِّهَا مِنَ النَّارِ (۱)**.

دخترم «فاطمه» نامیده شده، زیرا که خدا او و محب او را از آتش دور داشته است.

قال رسول الله ﷺ: **يَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِينَ لِمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ؟ قَالَ عَلِيٌّ لِمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ لِأَنَّهَا فَطَمْتَ هِيَ وَشِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ (۲)**.

رسول خدا ﷺ به فاطمه عليها السلام فرمود: آیا می‌دانی چرا فاطمه نامیده شد ای علی؟ پرسید: چرا فاطمه نامیده شده است؟ حضرت فرمود: چون خدا فاطمه و پیروان او را از آتش جهنم نجات داده است.

زیرا دوستی و پیروی فاطمه عليها السلام و شیعه فاطمه بودن، دوستی و پیروی از خداست؛ همان‌طور که دوستی و پیروی رسول خدا ﷺ دوستی خداست، من احبتي فقد احب الله (۳).

رضا و غضب فاطمه عليها السلام

محبت متقابل است

محبت به حق و مظاهر حق که آن هم محبت به حق است، زینت قلب و در

(۱) امالی طوسی، ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

(۲) علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴.

(۳) شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۰۹؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۲، ص ۵۴۳.

حقیقت زینت انسان و اصلی از اصول اعتقادی اسلام است.

در کنار این اصل دو اصل دیگر نیز قرار دارد، یکی این که محبت طرفینی است، وقتی انسان محبت خدا شد، محبوب خدا هم خواهد بود، ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (۱). محبوب خدا شدن مقام پس والایی است، که هرکسی قادر به دستیابی آن نیست. بلکه محب که در آغاز راه است باید در رسیدن به محبوب جهاد و تلاش کند، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنِيَانًا مَرْصُورًا﴾ (۲). خدا آن کسانی که در راه خدا قتال می‌کنند و همانند بنیان‌های مستحکم از سرب استوارند، دوست دارد. و باید از راه تقوا و پاکی قدمی جدا نشود که: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (۳). و خلاصه باید انبیاء و راه رسول خدا ﷺ را که طریق حبیب الله و بهر صراط مستقیم می‌باشد، طی کند، تا محبوب خدا بشود، ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (۴). آن گاه که خدا محبت او شد، آثار قدرت خویش را در محبوب بنیان می‌کند، و محبوب مظهر علم، اراده، قدرت و عزت و... خدا می‌شود.

تنفر از باطل

دیگر این که مؤمن همان طوری که به حق و منزه از حق عشق و محبت می‌ورزد؛ از کفر و عصیان و مظاهر تباهی بیزار است. محبت هر دو یک جا جمع نمی‌شود. یک دل و دو محبت ممکن نیست، ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيهِ﴾

(۱) سوره مائده، آیه ۵۴.

(۲) سوره صف، آیه ۴.

(۳) سوره آل عمران، آیه ۷۶.

(۴) سوره آل عمران، آیه ۳۱.

جَوْفِهِ»^(۱). خدا دو قلب برای کسی ننهاده است.

انسان مؤمن که قلب او مملو از محبت به حق است، از کفر و فسق و تباهی و مظاهر آن بغض و کینه دارد. قرآن این حقیقت را به عناوین مختلف بیان می‌کند،

«وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَّا إِيْمَانًا وَرَيْبَةً فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهًا إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْأَعْيُنَانَ»^(۲). خدای سبحان ایمان را محبوب و زینت قلب‌های شما قرار داده، و کفر و فسق و گناه را مبعوض و منفور شما قرار داده است.

من بفرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»^(۳) کسی که به طاغوت کفر و بغض داشته باشد و به خدا مؤمن باشد، به عروه الوثقی تمسک خواهد نمود. و خدای سبحان همان گونه که به محبت حق و مظاهر حق تشویق و ترغیب می‌کند، «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». از باطل و مظاهر آن اعلان تبری و بیزاری می‌نماید و خطر محبت به مظاهر باطل را گوشزد کرده است.

خدای سبحان و انبیاء الهی و پیروان انبیاء، همه از مظاهر باطل، تبری و بیزاری دارند، «بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَالَمْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^(۴)، بیزاری از خدا و رسول خدا ﷺ نسبت به مشرکانی که پیمان بستید. «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^(۵). اعلانی از خدا و پیامبرش در روز حج بزرگ، که خدا و رسولش از

(۱) سوره احزاب، آیه ۴.

(۲) سوره حجرات، آیه ۷.

(۳) سوره بقره، آیه ۲۵۵.

(۴) سوره توبه، آیه ۱.

(۵) سوره توبه، آیه ۳.

مشرکان بیزارند. آیه بیزاری خدا و رسول خدا ﷺ را نسبت به مظاهر باطل اعلان می‌دارد.

هم چنین از قول خلیل الرحمن - سلام الله علیه - می‌فرماید: ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾^(۱). من از رفتار شرک‌گونه شما بیزارم. که برائت پیامبر بزرگ الهی را بیان می‌کند و در آیه شریفه دیگر برائت پیامبر و پیروان او را از باطل و مظاهر آن را، به عنوان الگو و سیره حسنه معرفی می‌کند که باید از آن پیروی کرد، ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^(۲). شما در رفتار ابراهیم و پیروانش الگو نیکو است که به قوم خویش گفتند: ما از شما آن چه از غیر خدا را می‌پرستید، بیزاریم.

و ثقل اصغر هم همین عمل را تبیین نموده می‌فرماید: هل الايمان الا الحب والبغض^(۳). ایمان جز محبت به حق و مظاهر حق و بیزاری و مظاهر باطل نیست و همین حب و بغض معیار دسته بندی انسان‌ها است، انما يجمع الناس الرضا والسخط^(۴). و رضایت از خط مشی و عمل خرد قومی، دلیل بر هماهنگی و مشارکت شخص با آن قوم است، من رضي شيئاً كل من أتاه^(۵).

به همین خاطر قرآن کریم وقتی از نافرجامی قریبین اسرائیل سخن می‌گوید که عذّه‌ای به سرنوشت آباء و اجدادی خود دچار شدند! علت آن را رضایت به

(۱) سوره انعام، آیه ۷۸.

(۲) سوره ممتحنه، آیه ۴.

(۳) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۰.

(۴) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

(۵) بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۹۵.

عمل آنان و وحدت روش آنان عنوان می‌کند، ﴿تَشَابَهت قُلُوبِهِمْ﴾^(۱). روش و تصمیم‌گیری‌های آنان همانند است.

حب و بغض دلیل بر وحدت سیره و سرنوشت یکسان خواهد بود. به همین دلیل لحاظ تولی به حق و مظاهر حق و تنفر از باطل و مظاهر آن از اساس اعتقادات اسلام است و هر مسلمان همان طوری که به حق و حقیقت علاقه‌مند است، باید از باطل و ضلالت متنفر باشد. و حتی از کسانی که به اعمال طاغوتیان و ظلمه رضایت دارند، تبری و برزاری بجوید، ولعن الله امه سمعت بذلك فرضیت به^(۲). خدا لعنت کند آن امتی را که حادثه عاشورا را شنید و بدان راضی شد.

انسان مؤمن حب و بغضش برای حق است، من اوثق عری الایمان أن تحب لله و تبعض لله^(۳). از محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان آن است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری. که حب و بغض برای خدا نشانه کمال ایمان است.

عن أبي عبد الله عليه السلام: من احب لله وأبغض لله وأعطى الله فهو ممن
کمل ایمانه^(۴).

حق محور بودن فاطمه علیها السلام

بدین سبب انسان حق محور و مظهر حق، دوستی و دشمنی او برای حق خواهد بود. هوای نفس در زندگی او راه نخواهد یافت. جز خواسته الهی و رضای

(۱) سوره بقره، آیه ۱۱۸.

(۲) المزار الکبیر، ص ۴۲۳.

(۳) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۶۵.

(۴) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۶۵.

حق چیز دیگری نمی خواهد، ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ (۱).

عترت رسول خدا ﷺ چون به مقام عصمت بار یافته اند، رضا و غضب آنان و موضع گیری آنان معیار حق و رضا و غضب خدا قرار می گیرد. بر این اصل از طرق فریقین تکیه شده است.

قال رسول الله ﷺ لعلي وفاطمة والحسن والحسين أنا نسلم

لمن سالمكم و حرب لمن حاربكم (۲).

رسول خدا ﷺ به علی و فاطمه و حسن و حسین فرمودند: من با

کسانی که با شما در مسالمت اند در صلح، و با کسانی که با شما در

تیرد در جنگ خواهم بود.

موضع گیری عملی است. موضع گیری رسول خدا ﷺ است.

قال رسول الله ﷺ: أنا فاطمة بضع مني يؤذيني ما آذاها (۳). آن چه

فاطمه را آزار می دهد، مرا آزار می دهد. همین جهت حب و بغض فاطمه ﷺ حب و بغض خدا است، خداوند خشنود می شود به خشنودی فاطمه و غضب می کند به غضب فاطمه.

خدای سبحان از آنان که سبب خشنودی فاطمه هستند، راضی است؛ آنان

که فاطمه را به خشم آورند، مشمول غضب خدا خواهند بود. حدیث شریف از طرق فریقین مستفیض است که:

يا فاطمة ان الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك (۴).

(۱) سوره دهر، آیه ۳۰.

(۲) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۲، باب الحسن والحسين ﷺ.

(۳) صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۴۱، باب فضایل فاطمه ﷺ.

(۴) الغدير، ج ۳، ص ۱۸۰؛ ينابيع المودة، ج ۲، ص ۵۸.

حدیث، بر حق محور بودن فاطمه دلالت دارد، زیرا زهرا علیها السلام مظهر حق است، رضا و سخط او میزان رضا و سخط حق است. آنان که فاطمه را به غضب آوردند مغضوب خدایند. و این حقایق قابل انکار نیست، هر کس هر چه می گوید توجیه رفتاری ناهنجار بوده، تنها خود را خسته کرده، وزر و وبال گناه خود را افزوده است، زیرا که خورشید فروزان حقیقت را با پرده اوهام نتوان پوشانید.

با توجه به این نکات ارتباط این مقدمه با مطالب کتاب روشن می شود؛ زیرا در فصل های این کتاب سخن از فضائل و مناقب بانوی نمونه اسلام، فاطمه زهرا - سلام الله علیها - می باشد. سخن از زنی که دوشادوش مردان بزرگ الهی در میدان کمال و تعالی پیش رفته و همتای انبیاء اولو العزم است؛ بلکه حتی برتر از انبیاء اولو العزم می باشد. سخن از ائمه سلام الله علیهاست - .

در پایان خداوند تبارک و تعالی را شاکرم که به این بنده سراپا تقصیر عنایت فرمود تا یکی از با ارزشمندترین کتاب های این راه را که در این موضوع نگاشته شده است را تصحیح و تحقیق نمایم. و برای مؤلف گرانقدر آن «عَلَّامَهُ سَيِّدِ مُحَمَّدٍ حَسَنِ مَبْرِجَهَانِي رحمته الله علیه» علو درجات و حشر با اجداد عارینش علیهم السلام را از درگاه حق تعالی خواستارم.

قم مقدّسه - محمد فاضل اردستانی

۱۵ رمضان المبارک ۱۴۳۰ هـ ق

مصادف با سالروز ولادت کریم اهل بیت

امام حسن مجتبی علیه السلام

فهرست مطالب

۷	مقدمه تحقیق
۷	معرفی الگو
۸	چرا معرفی الگو؟
۹	ایمان و عبادت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۹	عبادت چیست؟
۹	عبادت سلوک است نه مقصد
۱۰	عبادت، راه تکامل
۱۲	محراب فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۳	حقیقت عبادت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۴	اخلاص و ایثار فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۵	تجلی ایثار فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۶	تمثّل ملائکه بر فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۹	فاطمه <small>علیها السلام</small> کوثر رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹	کوثر چیست؟

۲۰	کوثر رسول خدا ﷺ
۲۰	فاطمه ؑ مصداق کوثر
۲۱	شفاعت فاطمه ؑ
۲۳	عصمت فاطمه ؑ
۲۴	قرآن سند عصمت فاطمه ؑ
۲۵	روایات فریقین و عصمت فاطمه ؑ
۲۸	مقام مخصوص اهل بیت ؑ
۲۹	محبت ذی القربی و فاطمه ؑ
۲۹	محبت به حق
۳۰	پی آمد محبت
۳۱	محبت به مظاهر حق
۳۲	ملاک ایمان و نفاق
۳۳	قرآن و موذت اهل بیت ؑ
۳۳	اهل بیت پیامبر کیانند؟
۳۴	محبان فاطمه ؑ
۳۵	رضا و غضب فاطمه ؑ
۳۵	محبت متقابل است
۳۶	تنفر از باطل
۳۹	حق محور بودن فاطمه ؑ
۴۳	شرح حال علامه میرجهانی
۴۴	اساتید
۴۵	تألیفات

۸۲۹	فهرست مطالب
۴۷	مکاشفات و تشرّفات
۴۹	اثبات سیادت
۵۲	ولادت و وفات

فصل اوّل

در پیدایش نور آن حضرت ﷺ

۶۰	حدیث اول
۶۱	در پیرامون معنای حدیث:
۶۵	حدیث دوّم
۶۷	حدیث سوّم
۶۸	حدیث چهارم
۶۹	حدیث پنجم
۷۱	حدیث ششم
۷۲	حدیث هفتم
۷۳	حدیث هشتم
۷۸	حدیث نهم
۷۹	حدیث دهم

فصل دوّم

در بیان مادّة نطفه طاهره آن حضرت، و انعقاد آن

در صلب پدر بزرگوار و انتقال به رحم مادر عالی مقدار

۸۱	حدیث اوّل
----	-----------

۸۳۰ جنة العاصمة

۸۴	حدیث دوّم
۸۵	حدیث سوّم
۸۶	حدیث چهارم
۸۹	حدیث پنجم
۹۲	حدیث ششم
۹۳	حدیث هفتم
۹۶	حدیث هشتم
۹۷	حدیث نهم
۹۹	حدیث دهم
۱۰۱	تحقیق در پیدایش و سواختن سیب
۱۰۱	حدیث اوّل
۱۰۲	حدیث دوّم
۱۰۲	حدیث سوّم
۱۰۳	و اما خواصّ سیب
۱۰۹	در بیان خواصّی که
۱۰۹	از این اخبار برای سیب استفاده می شود
۱۱۰	لطیفهٔ اولی
۱۱۰	لطیفهٔ ثانیه
۱۱۰	لطیفهٔ ثالثه
۱۱۰	لطیفهٔ رابعه
۱۱۱	لطیفهٔ خامسه
۱۱۱	لطیفهٔ سادسه

۸۳۱	فهرست مطالب
۱۱۱	لطیفهٔ سابعه
۱۱۱	لطیفهٔ ثامنه
۱۱۱	لطیفهٔ ناسعه
۱۱۱	لطیفهٔ عاشره
۱۱۲	لطیفهٔ حادیه عشر
۱۱۲	لطیفهٔ ثابته عشر
۱۱۲	لطیفهٔ ثابته عشر
۱۱۲	و اما خواص رطب

فصل سوّم

در بیان اجمالی از جمعه و حالات والدۀ ماجدهٔ آن

حضرت زینب کبری علیها السلام

۱۲۲	بیان پاره‌ای از اشعار خدیجه
۱۳۵	مطلب اوّل: آن که معروف در میان خاصّه و عامّه ...
۱۳۷	مطلب دوّم: آن که کتب فریقین مشحون است ...
۱۳۷	مطلب سوّم: این که وفات خدیجه - سلام الله علیها - ...

فصل چهارم

در تاریخ ولادت فاطمه - سلام الله علیها - و چگونگی آن

۱۴۳	و اما کیفیت ولادت آن حضرت
۱۵۰	چند چیز در فضیلت حضرت زهراء <small>علیها السلام</small> ...

فصل پنجم

در بیان نام‌ها و کنیه‌ها و لقب‌های فاطمه علیها السلام

- ۱۵۳ مبحث اول در بیان نام‌هایی که برای آن حضرت ذکر شده
- ۱۵۴ تحقیق در پیرامون نام‌های مقدسه
- ۱۵۷ معنای لفظ فاطمه
- ۱۵۸ و اما این حدیث را جمعه به وجوه این نام:
- ۱۵۸ حدیث اول
- ۱۵۸ حدیث دوم
- ۱۵۹ حدیث سوم
- ۱۵۹ حدیث چهارم
- ۱۶۱ حدیث پنجم
- ۱۶۲ حدیث ششم
- ۱۶۲ حدیث هفتم
- ۱۶۳ حدیث هشتم
- ۱۶۴ تحقیق در بیان نکات و توجیهاات احادیث مذکوره
- ۱۶۴ نکته اولی
- ۱۶۵ نکته دوم
- ۱۶۶ نکته اولی
- ۱۶۶ نکته دوم
- ۱۶۷ نکته سوم
- ۱۶۸ در بیان اعراب کلمه فاطمه

۸۳۳ فهرست مطالب
۱۶۹ پیرامون نام دوّم
۱۷۰ پیرامون نام سوّم
۱۷۱ پیرامون نام چهارم
۱۷۲ پیرامون نام پنجم
۱۷۲ پیرامون نام ششم و هفتم
۱۷۴ پیرامون نام هشتم
۱۷۵ پیرامون نام نهم
۱۷۵ حدیث اوّل
۱۷۷ حدیث دوّم
۱۷۹ حدیث سوّم
۱۷۹ حدیث چهارم
۱۸۰ حدیث پنجم
۱۸۱ در پیرامون وجه تسمیه بتول
۱۸۳ مبحث دوّم در پیرامون کنیه‌های آن بزرگوار
۱۸۴ در بیان معانی و اطلاقات لفظ اُمّ
۱۸۵ وجه اوّل
۱۸۵ وجه دوّم
۱۸۷ وجه سوّم
۱۸۸ وجه چهارم
۱۸۹ وجه پنجم
۱۹۰ وجه ششم
۱۹۰ وجه هفتم

۱۹۱	وجه هشتم
۱۹۲	وجه نهم
۱۹۲	وجه دهم
۱۹۲	مبحث سوّم در بیان القاب آن حضرت
۱۹۴	وَأَمَّا الْقَابُ شَرِيفَةٌ أَوْ نَثْرًا

فصل ششم

در خصیصه های فاطمه علیها السلام

۲۰۹	خصیصه اولی: آنکه خدای تعالی نور مقدّس او را ...
۲۱۰	دوّم: آن که پس از پدر بزرگوارش شوهر عالی مقدارش ...
۲۱۰	سوّم: خلقت نور مقدّس او ...
۲۱۰	چهارم: آن که تمام انبیاء و مرسلین ملائکه مقربین ...
۲۱۰	پنجم: آن که خدای تعالی عرش عظیم خود را به نام او ...
۲۱۰	ششم: آن که چون خدای تعالی خواست در این ...
۲۱۰	هفتم: آن که پس از بازگشت پدر بزرگوارش از معراج ...
۲۱۰	هشتم: آن که برای وضع حمل مادر ...
۲۱۱	نهم: تابش و اشراق نور آن بی بی معظمه هنگام تولّد ...
۲۱۱	دهم: آمدن ده تن حور العین به زمین ...
۲۱۱	یازدهم: بشارت اهل آسمان ...
۲۱۱	دوازدهم: حدیث گفتن آن معظمه ...
۲۱۱	سیزدهم: خلق شدن هفت آسمان و زمین از نور زهراء ...
۲۱۲	چهاردهم: آن که چون خدا خواست ملائکه را امتحان کند ...

- فهرست مطالب ۸۲۵
- پانزدهم: آن که فاطمه علیها السلام افضل از تمام انبیاء و مرسلین و ... ۲۱۲
- شانزدهم: آن که ملائکه حتی جبرئیل و میکائیل ... ۲۱۲
- هفدهم: آن که آن حضرت دارای مقام عصمت کلیه ... ۲۱۳
- هجدهم: آن که اگر خدای عزوجل ... ۲۱۳
- نوزدهم: آن که رضایت و خشنودی او ... ۲۱۳
- بیستم: آن که چهار نهری که در بهشت جاری است ... ۲۱۳
- بیست و یکم: واجب بودن طاعت آن بی بی معظمه ... ۲۱۷
- بیست و دوم: کشید شدن چادر صدیقه طاهره روز قیامت ... ۲۱۷
- بیست و سوم: نماز آن بی بی به امر پروردگار ... ۲۱۸
- بیست و چهارم: ندا کردن آن کتاب الهی در روز قیامت ... ۲۲۰
- بیست و پنجم: آن که در روز قیامت مری از نور ... ۲۲۱
- بیست و ششم: در بحار نیز از کتاب ال بیست کرده ... ۲۲۱
- بیست و هفتم: آن که چون فاطمه علیها السلام می خواهد ... ۲۲۲
- بیست و هشتم: آن که دوستی فاطمه در صد مرتبه ... ۲۲۳
- بیست و نهم: استقبال کردن پیغمبر ... ۲۲۳
- سی ام: آن که خدای تعالی بر امیر مؤمنان علیه السلام حرام فرمود ... ۲۲۴
- سی و یکم: آن که حضرت فاطمه - سلام الله علیها - در روز قیامت ... ۲۲۴
- سی و دوم: آن که فاطمه زهرا علیها السلام محدثه بوده ... ۲۲۴
- سی و سوم: آن که آن بی بی معظمه علت وجود ائمه ... ۲۲۴
- سی و چهارم: آن که آن حضرت ولیة الله ... ۲۲۵
- سی و پنجم: آن که خدا صحیفه ای به فاطمه ... ۲۲۵
- سی و ششم: آن که خدای عزوجل چون از نور ... ۲۲۵

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ	۸۳۶
سی و هفتم: خداوند تبارک و تعالی ثواب صلوات بر آن حضرت ...	۲۲۵
سی و هشتم: آن که عقد ازدواج او با علی <small>علیه السلام</small> در عرش ...	۲۲۵
سی و نهم: آن که خطیب انشاء عقد به امر خدا ...	۲۲۶
چهلیم: آن که در هنگام ازدواج او با علی ...	۲۲۶
چهل و یکم: خدای تعالی امر فرمود ...	۲۲۶
چهل و دوم: آن که خدای عزوجل فرمان داد ...	۲۲۶
چهل و سوم: خدا رضوان خازن بهشت ...	۲۲۶
چهل و چهارم: آن کسی که عقد بست فاطمه را ...	۲۲۶
چهل و پنجم: آن که جبرئیل ملائکه را ...	۲۲۶
چهل و ششم: آن که از جمله عیزهائی که خدا ...	۲۲۷
چهل و هفتم: آن که در تزویج فاطمه با علی <small>علیه السلام</small> ...	۲۲۸
چهل و هشتم: آن که درخت طوبی در حوض صدق ...	۲۲۹
چهل و نهم: آن که خمس دنیا از زمین و آسمان ...	۲۲۹
پنجاهم: هنگام زفاف آن بی بی معظمه و بردن او به خانه علی ...	۲۲۹
پنجاه و یکم: بنا بر خبری که از تفسیر ثعلبی نقل شده ...	۲۲۹
پنجاه و دوم: از جمله خدمتگذاران فاطمه در بهشت ...	۲۲۹
پنجاه و سوم: حرام بودن زناها بر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> ...	۲۳۲
پنجاه و چهارم: شریک بودن در نزول سوره «هل أتى» ...	۲۳۲
پنجاه و پنجم: یاد کردن خدا همه نعمت های بهشتی را ...	۲۳۲
پنجاه و ششم: اول دیوانی که در روز قیامت گشوده می شود ...	۲۳۲
پنجاه و هفتم: آن که لیلۃ القدر و لیلۃ مبارکه در قرآن ...	۲۳۲
پنجاه و هشتم: نزول مائده آسمانی ...	۲۳۲

۸۳۷	فهرست مطالب
۲۳۲	پنجاه و نهم: آن که وقتی که آن بی بی معظمه در محراب ...

فصل هفتم

در بیان مصحف فاطمه علیها السلام

۲۳۳	حدیث اول
۲۳۷	چگونگی نزول مصحف
۲۳۸	حدیث دوم
۲۳۹	حدیث سوم
۲۳۹	حدیث چهارم
۲۴۰	حدیث پنجم

فصل هشتم

در بیان ازدواج فاطمه با علی علیهما السلام و چگونگی آن

۲۴۲	خواستگاری های فاطمه <small>علیها السلام</small>
۲۴۳	نزول وحی برای ازدواج فاطمه با علی
۲۵۴	خطبه هائی که در این ازدواج خوانده شده
۲۵۴	خطبه اولی
۲۵۶	خطبه دوم
۲۶۱	خطبه سوم
۲۶۴	خطبه چهارم
۲۶۶	خطبه پنجم
۲۷۰	مهر و صداق فاطمه

۲۷۰ خبر اوّل

۲۷۱ خبر دوّم

۲۷۳ خبر سوّم

۲۷۴ کیفیت ازدواج فاطمه - سلام الله علیها

۲۷۴ از طریق منقول از علماء بزرگ عامّه

۲۷۴ [خبر اوّل]

۲۷۵ خبر دیگر [اوّم]

۲۸۲ خبر دیگر [سوّم]

۲۸۴ خبر دیگر [چهارم]

۲۸۷ بقیّه خبر:

۲۹۱ بقیّه خبر:

۲۹۶ بقیّه خبر:

۳۰۰ بقیّه خبر:

۳۰۴ بقیّه خبر:

۳۰۹ بقیّه خبر:

۳۱۳ بقیّه خبر:

۳۱۷ تحفه خدا پس از ازدواج به علی و فاطمه

۳۲۳ کیفیت بردن فاطمه به خانه علی

فصل نهم

در بیان مختصری از فضائل امیر مؤمنان علیه السلام و نام
پاره‌ای از کتب عامه که در مناقب آن جناب نوشته شده

- روایت اولی ۳۳۱
- روایت دوّم ۳۳۱
- روایت سوم ۳۳۲
- روایت چهارم ۳۳۳
- کتاب‌هایی که علماء عامه در فضائل و مناقب آن حضرت نوشته‌اند ۳۳۹

فصل دهم

در بیان افضلیّت نام‌ها علیهم السلام از همه زن‌های جهانیان
حتّی مریم، مادر عیسی - علی نبینا و آله الصلاة والسلام -

- تحقیقی از مؤلف قاصر در این مقام ۳۵۱
- امّا وجه امتیاز مریم از سایر زنها ۳۵۲
- و امّا وجه امتیاز زنان رسول خدا بر سایر زنها ۳۵۴
- ایراد و اشکالی و جواب از آن ۳۵۶

فصل یازدهم

در بیان این که فاطمه زهراء - سلام الله علیها - افضل از
تمام انبیاء و مرسلین است غیر از پدر بزرگوار خود

- نکته قابل توجه ۳۶۱

۸۴۰ جنة العاصمة

نکته دیگر ۳۶۲

حکایت مؤلف راجع به یافتن سلسله سند حدیث مشهور ۳۶۳

تحقیقی از مؤلف قاصر ۳۶۴

ایراد و دفع آن ۳۶۷

جواب گفته می شود ۳۶۸

فصل دوازدهم

در بیان این که فاطمه علیها السلام ولایت کلیه داشته

حقیقت پیغمبر و اسم و زهراء را بشر نمی تواند بشناسد ۳۷۶

شفاعت یعنی چه؟ ۳۹۶

فصل سیزدهم

در بیان علم فاطمه علیها السلام

دلیل اول ۴۰۱

دلیل دوم ۴۰۴

دلیل سوم ۴۰۵

دلیل چهارم ۴۰۵

دلیل پنجم ۴۰۵

دلیل ششم ۴۰۵

دلیل هفتم ۴۰۵

دلیل هشتم ۴۰۶

دلیل نهم ۴۰۶

۸۴۱	فهرست مطالب
۴۰۶	دلیل دهم
۴۰۷	دلیل یازدهم
۴۰۸	بدیهه گوئی مؤلف قاصر

فصل چهاردهم

در بیان پاره‌ای از مناقب فاطمه علیها السلام

۴۱۱	منقبت اول
۴۱۴	منقبت دوم
۴۲۶	منقبت سوم
۴۲۸	منقبت چهارم
۴۳۱	منقبت پنجم
۴۳۳	منقبت ششم
۴۳۵	منقبت هفتم
۴۳۹	منقبت هشتم
۴۳۹	منقبت نهم
۴۴۰	منقبت دهم

فصل پانزدهم

در بیان پاره‌ای از فضائل و مناقب آن حضرت که

در کتب عامه و از طرق ایشان روایت شده

۴۴۳	حدیث اول
۴۴۴	حدیث دوم

- ۴۴۵ حدیث سوّم
- ۴۴۶ حدیث چهارم
- ۴۴۸ حدیث پنجم
- ۴۴۹ حدیث ششم
- ۴۵۰ حدیث هفتم
- ۴۵۱ حدیث هشتم: تکلم فاطمه در شکم مادر
- ۴۵۲ حدیث نهم
- ۴۵۳ حدیث دهم
- ۴۵۴ حدیث یازدهم: فاطمه از یستان زنی غیر از خدیجه شیر نخورده
- ۴۵۶ حدیث دوازدهم
- ۴۵۷ حدیث سیزدهم
- ۴۵۷ حدیث چهاردهم
- ۴۵۸ حدیث پانزدهم
- ۴۵۸ حدیث شانزدهم
- ۴۶۰ حدیث هفدهم: چرا فاطمه «بتول» نامیده شد؟
- ۴۶۰ حدیث هجدهم
- ۴۶۱ حدیث نوزدهم
- ۴۶۱ حدیث بیستم
- ۴۶۲ حدیث بیست و یکم
- ۴۶۳ بیست و دوّم
- ۴۶۳ حدیث بیست و سوّم
- ۴۶۴ حدیث بیست و چهارم: سیّدۀ نساء العالمین

۸۴۳ فهرست مطالب
۴۶۶ حدیث بیست و پنجم
۴۶۸ حدیث بیست و ششم
۴۶۹ حدیث بیست و هفتم: فاطمة سیدة نساء أهل الجنة
۴۷۴ حدیث بیست و هشتم
۴۸۱ حدیث بیست و نهم: فاطمة خیر نساء الأمة
۴۸۳ حدیث سی ام
۴۹۱ حدیث سی و یکم
۴۹۴ حدیث سی و دوّم
۴۹۶ حدیث سی و سوم
۴۹۷ حدیث سی و چهارم نزول جبریل و ...
۴۹۸ حدیث سی و پنجم: نزول جبریل با ای ابلاغ سلام خدا به فاطمه
۴۹۹ حدیث سی و ششم: اشراق بهشت از نار سنده فاطمه و علی
۴۹۹ حدیث سی و هفتم: اول کسی که بعد از پیغمبر داخل بهشت ...
۵۰۲ حدیث سی و هشتم: محبت فاطمه در صد شرط نفع می دهد ...
۵۰۳ حدیث سی و نهم: نثار درخت طوبی چک های آزاد را برایش
۵۰۵ حدیث چهلم: عطا کردن فاطمه در شب زفاف پیراهن نورا
۵۰۷ حدیث چهل و یکم: شفاعت قیامت، صداق فاطمه است
۵۰۸ حدیث چهل و دوّم: ربع دنیا یا خمس آن صداق فاطمه است
۵۱۱ حدیث چهل و سوم: حجاب فاطمه <small>علیها السلام</small>
۵۱۲ حدیث چهل و چهارم
۵۱۳ حدیث چهل و پنجم
۵۱۴ حدیث چهل و ششم: صدق کلام فاطمه <small>علیها السلام</small>

۸۴۴ جُنَّة العاصمة

- ۵۱۵ حدیث چهل و هفتم: عبادت فاطمه علیها السلام
- ۵۱۶ حدیث چهل و هشتم: صبر فاطمه علیها السلام بر فقر
- ۵۱۷ حدیث چهل و نهم
- ۵۱۹ حدیث پنجاهم
- ۵۲۰ حدیث پنجاه و یکم
- ۵۲۲ حدیث پنجاه و دوم: شدت گرسنگی فاطمه علیها السلام
- ۵۲۴ روایت حدیث به طریق دیگر:
- ۵۲۵ حدیث پنجاه و سوم: تعلیم پیغمبر دعائی را به فاطمه عوض خادمه
- ۵۲۶ حدیث پنجاه و چهارم: تقسیم کردن کارهای خانه را بین خود و خادمه خود
- ۵۲۷ حدیث پنجاه و پنجم
- ۵۲۸ حدیث پنجاه و ششم: تعلیم پیغمبر صلی الله علیه و آله سیح را در وقت خواب به ...
- ۵۳۰ حدیث پنجاه و هفتم

فصل شانزدهم

در پیرامون آیه شریفه

- ۵۳۵ [حدیث] اوّل
- ۵۳۸ حدیث دوم
- ۵۴۰ حدیث سوم
- ۵۴۱ حدیث چهارم
- ۵۴۱ حدیث پنجم
- ۵۴۲ حدیث ششم
- ۵۴۵ حدیث هفتم

۸۴۵ فهرست مطالب
۵۴۷ حدیث هشتم
۵۴۸ مخالف و یاوه گوئی های ابن تیمیه
۵۴۸ در پیرامون آیه مودت و جواب از آن
۵۵۰ جواب یاوه گوئی های ابن تیمیه

فصل هفدهم

در بیان حالات و وقایعی که بعد از رحلت پیغمبر برای فاطمه علیها السلام روی داده

۵۵۷ مقدمه
۵۵۷ حدیث اوّل
۵۵۹ حدیث دوّم
۵۶۳ حدیث سوّم
۵۷۰ مبحث اوّل در بعضی از حوادث واقع پس از رحلت پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۵۷۸ چهار هزار مرد علی <small>علیه السلام</small> را از خانه به مسجد بردند
۵۸۰ کلام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> پس از توقیف او در مسجد
۵۸۹ گفتگوی عمر با ابوبکر برای بیعت گرفتن از علی و فرستادن آنها به طلب علی برای اخذ بیعت
۵۹۰ فرستادن ابوبکر قنفذ را با جماعتی به طلب علی <small>علیه السلام</small>
۵۹۲ بیرون بردن قوم، علی را از خانه به سوی مسجد
۵۹۹ مبحث دوّم در موضوع فدک و دادن رسول خدا آن را به فاطمه ...
۶۰۴ گرفتن ابو بکر فدک را از فاطمه <small>علیها السلام</small> و اعتراض آن مظلومه ...
۶۰۹ مبحث سوّم در بیان خطبه حضرت فاطمه ...

۸۴۶.....جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ

- ۶۷۸ اثر طبع نارسای مؤلف:
- ۶۸۴ مبحث چهارم بیماری حضرت فاطمه، و آمدن زنان مهاجر و انصار
- ۶۸۴ به عیادت آن حضرت و سخنان او
- ۶۸۸ روایت معانی الأخبار:
- ۶۹۲ وجوه اعراب سخنان آن حضرت:
- ۶۹۵ امر اوّل
- ۶۹۶ امر دوّم
- ۶۹۶ امر سوّم
- ۶۹۶ امر چهارم
- ۶۹۶ امر پنجم
- ۶۹۷ امر ششم
- ۶۹۸ امر هفتم
- ۶۹۸ امر هشتم
- ۶۹۹ ترجمه سخنان فاطمه علیها السلام در جواب زنهای مهاجر و انصار:
- ۷۰۰ دنباله سخنان حضرت فاطمه علیها السلام [در دیدار با زنان مهاجر و انصار]:
- ۷۰۸ وجوه اعراب سخنان آن حضرت علیها السلام:
- ۷۱۸ ترجمه سخنان آن حضرت علیها السلام:
- ۷۱۹ دنباله سخنان فاطمه - سلام الله علیها - [در دیدار با زنان مهاجرین
- ۷۲۵ اعراب سخنان آن حضرت:
- ۷۲۷ معنای سخنان آن حضرت علیها السلام:
- ۷۳۲ ترجمه مُتَمَّم سخنان فاطمه علیها السلام:
- ۷۳۴ مبحث پنجم در بیان حزن و اندوه فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله

۸۴۷	فهرست مطالب
۷۳۵	ترجمه سخنان رسول خدا ﷺ
۷۴۶	ترجمه سخنان آن حضرت:
۷۵۹	[وصایای فاطمه ؑ به امیر المؤمنین علی ؑ]:
۷۷۵	تاریخ وفات و رحلت فاطمه ؑ
۷۷۵	[قول اول]:
۷۷۵	و اما قول دوم:
۷۷۶	و اما قول سوم:
۷۷۶	و اما قول چهارم:
۷۷۶	محل دفن فاطمه ؑ
۷۷۹	اشعار امیر مؤمنان در رثاء ائمه ؑ
۷۸۰	خطاب به فاطمه ؑ بعد از وفات
۷۸۰	جواب آن حضرت از طرف فاطمه ؑ
۷۸۱	مرثیه برکنار قبر فاطمه ؑ
۷۸۱	مرثیه حضرت بعد از دفن فاطمه ؑ
۷۸۵	مرثیه اثر طبع نارسای مؤلف:
۷۸۷	اولاد حضرت فاطمه ؑ
۷۸۸	ازدواج ام کلثوم ؑ با عمر بن الخطاب
۸۰۱	فهرست منابع و مآخذ
۸۲۳	فهرست کتاب